



بحران کره شمالی

پادکست دایجست | قسمت ۴

دی ۱۳۹۶

فرشاد محمودی

ویرایش و تنظیم: شادی حسین‌نیا

مقدمه

در این قسمت از پادکست دایجست می‌خواهیم درباره‌ی مرموزترین کشور دنیا - که اخیراً در صدر اخبار جهان است - صحبت کنیم: کره شمالی.

حتی اگر پیگیر اخبار نباشید، حتماً در این سال‌ها دست‌کم یک بار این اسامی را شنیده‌اید: کره شمالی، آزمایش موشکی، آزمایش هسته‌ای، آمریکا، چین و... اما برای اینکه بفهمیم ریشه‌ی مسائل کجاست و این کشمکش‌ها از کجا شروع می‌شوند، مثل همیشه باید کمی به عقب برگردیم و ماجرا را از زمان پیدایش این کشور دنبال کنیم.

تاریخچه

نمی‌خواهم تمام تاریخ کره را از ابتدا تعریف کنم. تمرکز ما از جایی‌ست که امپراطوری کره به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. کره هم مانند بسیاری از کشورهای دیگر، به علت موقعیت استراتژیکی (سوق الجیشی) که دارد، همواره در مرکز توجه کشورهای اطراف بوده‌است. اگر به نقشه‌ی جهان نگاهی بندازید، متوجه می‌شوید که کره بین سه کشور چین و ژاپن و روسیه قرار دارد. می‌توانید حدس بزنید که هر کدام از این سه کشور قدرتمند چه قدر برای کنترل داشتن روی کره مشتاق بوده‌اند. از جنگ‌ها و درگیری‌هایی که بین این کشورها رخ داده می‌گذرد تا به درگیری آخر برسیم؛ یعنی جنگ بین روسیه و ژاپن بر سر شبه‌جزیره‌ی کره و شمال شرقی چین (منطقه‌ای به نام مانچوریا که در آن زمان از چین مستقل بود). در واقع این جنگ در بستر تمایلات امپریالیستی این دو کشور شکل گرفت. روسیه به دنبال یک بندر در آب‌های گرم بود و می‌خواست بندری در مانچوریا داشته باشد. در سوی دیگر موازنه‌ی قدرتی آن منطقه برای ژاپن مهم بود و درصدد تصاحب کره برآمد. روسیه در مقابل این خواست ژاپن موضع گرفت و اعلام کرد که کره باید خنثی و بی‌طرف بماند. ژاپن هم با تسلط روسیه بر مانچوریا مخالفت و جنگ را آغاز کرد. روسیه طی جنگ‌های متعدد به شدت شکست می‌خورد؛ تا حدی که توجه دنیا از لحاظ موازنه‌ی قدرتی به ژاپن جلب شد. ژاپن طی چندین سال با معاهده‌های مختلف کل شبه‌جزیره‌ی کره را تسخیر کرد و نهایتاً امپراطوری کره به دست ژاپنی‌ها افتاد. حکمرانی ژاپن بر کره از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۴۵ ادامه پیدا کرد.

پس تا این‌جا متوجه شدیم که امپراطوری کره - به خاطر جنگ‌های بین روسیه و ژاپن بر سر کره - در سال ۱۹۱۰ به طور کامل به دست ژاپنی‌ها می‌افتد. البته ناگفته نماند که تسلط ژاپنی‌ها بر کره به کمی قبل‌تر (حدود ۱۸۹۵) برمی‌گردد. به هر حال اگر هنوز هم کدورت‌هایی بین کره‌ای‌ها و ژاپنی‌ها وجود دارد، به خاطر آن دوران است.

حاکمیت ژاپن به کره دقیقاً با پایان جنگ جهانی دوم تمام می‌شود. متفقین ژاپن را شکست می‌دهند و کره را تصاحب می‌کنند. داستان کره‌ی جنوبی و شمالی از همین‌جا آغاز می‌شود. یعنی وقتی می‌گوییم «کره‌ی جنوبی» و «کره‌ی شمالی»، راجع به تاریخی ۶۰ تا ۷۰ ساله صحبت می‌کنیم. با ورود متفقین به کره، نیمی از کره به دست آمریکایی‌ها و نیم دیگر به دست شوروی می‌افتد. احتمالاً می‌توانید حدس بزنید که کدام نیمه‌ها! بله؛ نیمه‌ی شمالی را شوروی و نیمه‌ی جنوبی را آمریکا اداره می‌کند.

این‌گونه بود که شوروی از شمال و آمریکا از جنوب کره را اشغال کردند. بعد از جنگ جهانی دوم و در بحبوحه‌ی جنگ سرد، شوروی شمال را با یک نظام کمونیستی اداره می‌کرد و آمریکا جنوب را با نظام دموکراتیک و سرمایه‌داری. البته در ابتدا قرار بود که دو کشور برای متحد شدن شمال و جنوب انتخاباتی برگزار کنند، ولی هیچ‌یک از طرفین به دیگری اعتماد نداشت.

در نهایت آمریکا و سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ با برگزاری انتخابات، یک رهبر ضد کمونیستی را رئیس دولت کره‌ی جنوبی می‌کنند و چند ماه بعد شوروی کیم ایل سونگ را - که به نظر یکی از رهبران مبارز زمان جنگ بود - بدون برگزاری انتخابات در کره‌ی شمالی روی کار می‌آورد. قاعدتاً باید حدس بزنید که کیم ایل سونگ هم شخصی ضد نظام سرمایه‌داری است. بدین ترتیب جنوب به آمریکا و نظام سرمایه‌داری و شمال به شوروی و کمونیسم تبدیل شد.

پس از این شوروی کره‌ی شمالی را با توپ و تانک و اسلحه تجهیز کرد، ولی آمریکا تجهیزات زیادی در اختیار کره‌ی جنوبی نگذاشت. دو

سال بعد از شکل گرفتن دو دولت جنوبی و شمالی، رهبر کره شمالی، کیم ایل سونگ، به قصد متحد کردن دو کره تحت نظام کمونیستی، به کره جنوبی حمله و به شدت پیشروی می‌کند و تقریباً تمام شبه‌جزیره کره را به تسخیر درمی‌آورد. این جاست که سازمان ملل به رهبری آمریکا در مناقشه ورود کرده و شروع می‌کند به بازپس‌گیری کره. تقریباً چند ماه بعد شرایط برعکس می‌شود و این بار نیروهای آمریکایی تا نزدیکی مرز چین پیش می‌روند. چین که تا این زمان نقشی در این جنگ نداشت، با حس کردن خطر نزدیک شدن آمریکا، وارد جنگ می‌شود و کره شمالی را پس می‌گیرد. در نهایت با امضای توافق‌نامه‌ای جنگ موقتاً بین دو دولت شمالی و جنوبی متوقف می‌شود. این دست از توافق‌نامه‌ها در زبان انگلیسی «آرمیستیس» نامیده می‌شوند. آرمیستیس توافق‌نامه‌ای است که طرفین جنگ توافق می‌کنند که جنگ میانشان موقتاً متوقف شود، اما الزاماً به معنی صلح و آشتی نیست. این بدان معناست که دو کشور هنوز هم به لحاظ حقوقی و فنی با هم در جنگند. از این نوع جنگ با جنگ‌های کره یاد می‌شود که سه سال طول کشید و چیزی حدود سه میلیون نفر در آن کشته شدند.

پس از جنگ، کره شمالی به طرق مختلف بی‌ثباتی‌هایی پدید آورده‌است. در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۴ سعی کرد که رئیس‌جمهور کره جنوبی را ترور کند که موفقیت‌آمیز نبود. مثلاً در ترور سال ۱۹۷۴ به اشتباه همسر رئیس‌جمهور به جای او کشته شد. همچنین در سال ۱۹۸۳ محلی را که قرار بود رئیس‌جمهور کره جنوبی از آن بازدید کند، هدف قرار داد و باز هم ناکام ماند؛ گرچه در این حمله ۲۰ نفر کشته شدند، اما رئیس‌جمهور فرار کرد. ۴ سال بعد یک هواپیمای مسافربری کره جنوبی را منهدم کرد و منجر به کشته شدن ۱۱۵ نفر شد. در پی این اقدام، آمریکا کره شمالی را در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار داد. می‌توان گفت در حقیقت جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، عامل اصلی جدایی دو کره بود.

اگر به آمار تولید سرانه‌ی داخلی این دو کشور تا سال ۱۹۵۳ نگاه کنید، متوجه می‌شوید که روند تقریباً مشابهی دارند. دقیقاً پس از جنگ است که با کمک آمریکا، ژاپن و نظام سرمایه‌داری، تولید سرانه‌ی داخلی کره جنوبی آن قدر رشد می‌کند که این آمار امروزه ده‌برابر آن زمان است. در مقابل نظام کمونیستی کره شمالی نه تنها تولید سرانه‌ی داخلی این کشور را ثابت نگه‌داشت، بلکه در چند سال اخیر باعث افت نیز شده‌است.

اختلافات این دو کشور تا امروز ادامه داشته و با اعلام دست‌یابی کره شمالی به بمب اتم و افزایش آزمایش‌های موشکی این کشور، شدت یافته‌است. در سال ۲۰۰۵ بود که کره شمالی ادعا کرد به بمب اتم دست یافته و یک سال بعد اولین موشک‌های دور-برد و میان-برد خود را آزمایش کرد. این اقدامات کره شمالی نگرانی جامعه‌ی جهانی را برانگیخت و شورای امنیت سازمان ملل اعمال تحریم‌های متعدد علیه این کشور را آغاز کرد. رابطه بین دو کره بدتر و بدتر می‌شد تا جایی که کره شمالی در سال ۲۰۰۹ همان معاهده‌ی آرمیستیس را هم ترک و عملاً جنگی خنثی را آغاز کرد. حتی کار به جایی رسید که در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ توپخانه‌های دو کشور با هم درگیر شدند. البته هیچ خسارتی به هیچ‌کدام نرسید و در واقع این کار بیشتر جنبه‌ی قدرت‌نمایی داشت.

حاکمان کره شمالی چه کسانی هستند و تا کنون این کشور را با چه طرز فکری اداره کرده‌اند؟

حکومت کره شمالی از زمان شکل‌گیری تا کنون، تحت سلطه‌ی خانواده‌ی «کیم» بوده‌است. اول «کیم ایل سونگ» بزرگ، یعنی پدر بزرگ، دوم پسرش «کیم جونگ ایل» و حالا نوه‌اش «کیم جونگ اون». از همین‌جا متوجه می‌شویم که حکومت کره شمالی یک نظام سلسله‌ای و توتالیتر است که فقط توسط اعضای یک خانواده هدایت می‌شود. جالب است که بدانید وضعیت کره شمالی در اوایل حکومتش از کره جنوبی حتی بهتر هم بود، ولی رفته‌رفته هرچه که پیش می‌رفت بد و بدتر می‌شد.

به‌خاطر دارید که گفتیم کره شمالی با روسیه و چین روابط خیلی خوبی داشت. پس از گذشت مدتی، کیم ایل سونگ حتی از شوروی و مکتب کمونیسم هم جدا شد و مکتب جدید خود را با نام «جوچه» تأسیس کرد. جوچه به معنی «اتکا به خود» است و سه محور اصلی دارد: استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال دفاعی.

در حقیقت این مکتب باعث شد که سیاست‌های انزواپی دولت هرروز بیش از دیروز شود و در همه‌ی امور بر مستقل بودن پافشاری کند. سلسله‌ی کیم طی سالیان سال قوانین امنیتی-نظارتی بسیار شدیدی وضع کرد که احتمالاً وصف آن را از همه‌جا شنیده‌اید. مثلاً در کره شمالی مجازاتی وجود دارد که به «مجازات سه نسل» معروف است. یعنی اگر پدر بزرگ شما چنددهه پیش مرتکب جرمی شده‌باشد، نه تنها خود او به حبس ابد محکوم می‌شود، بلکه پسر (یعنی پدر شما) و نوه‌اش (یعنی خود شما) هم باید آن مجازات را تحمل کنند. مجازات‌هایی تا این اندازه سخت که حتی فکر ارتکاب جرم هم به ذهن کسی خطور نکند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که حاکمان کره شمالی یک رویکرد پدران‌ه برای ملت در پیش گرفته و باور دارند که آن چه می‌گویند به صلاح مردم است و در همین راستا با نظامی کاملاً بسته و ایزوله حکومت می‌کنند.

در ادامه به برخی از قوانین عجیب در کره شمالی اشاره می‌کنم:

در کره شمالی فقط سه کانال تلویزیونی وجود دارد و انتخاب دیگری نیست.

اگر به آرایشگاه رفتید، مدل موی شما فقط باید یکی از ۲۸ مدل موی تأییدشده‌ی دولت باشد و انتخاب دیگری ندارید.

برای زندگی در پایتخت نیاز به تأیید و مجوز دولت دارید.

اگر فرزندان را به مدرسه می‌فرستید، باید هزینه‌ی میز و صندلی و تخته را جداگانه بپردازید.

داشتن کتاب آسمانی در کره شمالی غیر قانونی است. زن مسیحی‌ای که میان مردم انجیل توزیع می‌کرد، دستگیر و سپس اعدام شد.

شرکت‌های اپل، سونی و مایکروسافت حق توزیع محصولات خود را در آن‌جا ندارند.

هیچ‌گونه کتاب غربی‌ای حق ورود به کره‌ی شمالی را ندارد؛ حتی اگر شما توریست باشید و بخواهید یک کتاب توریستی همراه خود بیاورید.

در کره‌ی شمالی هر ۵ سال یک‌بار انتخابات پارلمانی برگزار می‌شود. هر منطقه فقط یک نامزد دارد که شخصاً توسط رهبر کره‌ی شمالی انتخاب می‌شود. اگر شخصی با آن نامزد مخالف باشد، در روز رأی‌گیری باید در مقابل همه رأی خود را در یک صندوق جداگانه بیان‌دازد و معمولاً هیچ‌کس این کار را نمی‌کند. جالب آن است که درصد مشارکت در کره‌ی شمالی نزدیک به ۱۰۰ درصد است. یعنی تقریباً همه مجبورند در انتخابات شرکت کنند.

موضوع صحبت ما چنین کشوری‌ست!

درآمد کره‌ی شمالی از کجاست؟

سرانه‌ی تولید داخلی کره‌ی شمالی حدود ۱۸۰۰ دلار است. این عدد برای کره‌ی جنوبی حدود ۳۱ هزار و برای ایران حدود ۵ هزار دلار است.

محصولات معدنی مثل ذغال سنگ و محصولات نساجی و همچنین مقدار کم ماشین‌آلات، صادرات کره‌ی شمالی را شامل می‌شوند. پترولیوم پالایش‌شده و کلاف‌های پارچه‌ای و کامیون و روغن دانه‌ی سویا هم مهم‌ترین اقلام وارداتی این کشور هستند. چین بزرگ‌ترین شریک تجاری کره‌ی شمالی به حساب می‌آید. احتمالاً خبرهای مرتبط با تجارت چین و کره‌ی شمالی را شنیده‌اید.

چین برای مدتی طولانی نقشی اساسی در تجارت و اقتصاد کره‌ی شمالی بر عهده داشت؛ ولی با اعلام کره‌ی شمالی مبنی بر دستیابی به بمب هسته‌ای و تهدید کردن کره‌ی جنوبی، چین هم متوجه شد که کنترل این کشور را در دست ندارد و در نهایت در قطع‌نامه‌ی شورای امنیت، دو کشوری که روزگاری پشتیبان کره‌ی شمالی بودند (چین و روسیه) به اعمال تحریم‌های سنگین علیه کره‌ی شمالی رأی دادند. تنش‌های اخیر پیرامون کره‌ی شمالی از زمانی آغاز شد که کیم نوه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود را شدت داد و در پی آن تحریم‌ها علیه این کشور بیشتر شد. کره‌ی شمالی برنامه‌هایش را متوقف نکرد و با تمام قوا به تجهیز برنامه‌ی موشکی خود ادامه داد. نکته‌ی مهم درباره‌ی این موشک‌ها، «برد» آن‌هاست. تعداد آزمایش‌های موشکی کره‌ی شمالی در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به طرز فزاینده‌ای زیاد شد و این موضوع یکی از دلایل داغ شدن دوباره‌ی بحث‌ها درباره‌ی کره‌ی شمالی در چند وقت اخیر است. نکته‌ی مهم‌تر این است که کره‌ی شمالی در چهارم جولای ۲۰۱۷ اولین موشک قاره‌پیمای خود را آزمایش کرد. این سری از موشک‌های کره‌ی شمالی «هواسانگ» نامیده شده‌اند. این مسئله وقتی مهم‌تر شد که کره‌ی شمالی آخرین ورژن موشک‌های هواسانگ - که از همه‌ی ورژن‌های قبلی برد بیشتری داشت - را در منطقه‌ی اقتصادی ژاپن آزمایش کرد.

بعضی از متخصصین پیش‌بینی می‌کنند که کره‌ی شمالی در سال ۲۰۱۸ به تکنولوژی ساخت موشک قاره‌پیمایی دست پیدا می‌کند که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای تا آمریکا را داشته‌باشد.

مسئله‌ی اساسی این است که چگونه و با چه استراتژی‌ای باید با کره‌ی شمالی مقابله کرد. برخی مذاکره را راه حل می‌دانند و برخی دیگر مذاکره را کارآمد نمی‌دانند. از سوی دیگر به دلیل شخصیت غیرمتعادلی که رهبر کره‌ی شمالی از خود به نمایش گذاشته‌است و علم بر اینکه این کشور چهارمین ارتش بزرگ دنیا و بمب اتم دارد، ریسک اشتباه کردن در برخورد با این کشور بالاست. هنوز هم میان کشورهای مختلف کشمکش‌ها برای یافتن راه حل مسئله‌ی کره‌ی شمالی در جریان است.